

امپیش از شش ماه بعد، حکومت ایران نهتنها همچنان

ایران قدرتمندتر از گذشته
وقتی آمریکا بمباران ایران را آغاز کرد، انتظار داشت به‌سرعت حکومت این کشور را درهم بشکند. در ۲۴ ساعت نخست جنگ، نیروهای آمریکایی و اسرائیلی حدود هزار هدف را مورد حمله قرار دادند. طی ۲۷ روز پس از آن نیز ۱۲ هزار هدف دیگر را منهدم کردند و بخش بزرگی از زیرساخت‌های نظامی ایران را ویران کردند. این حملات به کشته‌شدن رهبر جمهوری اسلامی ایران، [آیت‌الله] علی خامنه‌ای، وزیر دفاع ایران و فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجامید.

اما پیش از شش ماه بعد، حکومت ایران نهتنها همچنان پابرجاست، بلکه شاید حتی قدرتمندتر از گذشته شده باشد. تهران بافلاضله مقام‌های کشته‌شده را جایگزین کرد و در پاسخ، به واشنگتن و شرکای منطقه‌ای آن حمله کرد. همچنین تنگه هرمز را بسته؛ اقدامی که قیمت انرژی را در سراسر جهان افزایش داد و اهرم سیاسی تازه‌ای را در اختیار ایران قرار داد؛ موضوعی که مقام‌های آمریکایی را به‌شدت ناکام و خشمگین کرده است.

چند عامل در عملکرد غیرمنتظره موفق ایران نقش داشتند. نخست اینکه ایران از مدت‌ها قبل خود را برای حملات آمریکا و اسرائیل آماده کرده بود و بنابراین، برای بازسازی ساختار حکومتی خود در صورت کشته‌شدن رهبران ارشد آماده‌گی داشت. همچنین توانست با وجود محاصره دریایی آمریکا، کالاهای موردنیاز خود را به اندازه‌ای وارد کند که اقتصادش فرو نپاشد. اما یکی از مهم‌ترین عوامل، زرادخانه بزرگ پهپادها و موشک‌های ارزان‌قیمت و در عین حال دقیق جمهوری اسلامی بود. این تسلیحات، ضدمحلات ایران را مؤثر کردند و به تهران امکان دادند تنگه هرمز را ببندد و از این طریق، مانع تشدید درگیری از سوی آمریکا شود.

ایران با این اقدامات، نکته‌ای گسترده‌تر را نیز به نمایش گذاشته است. عصر چیزی که من آن را «انبوه دقیق» می‌نامم؛ یعنی تسلیحات هدایت‌شونده دقیق با حجم بالا و هزینه پایین- عملاً آغاز شده است. دیگر ارتش آمریکا، با هر ارتش دیگری، نمی‌تواند صرفاً با استفاده از تعداد محدودی سلاح‌های بسیار پیشرفته و گران‌قیمت، در یک جنگ تمام‌عیار پیروز شود و با نمایش برتری تسلیحاتی، حریف را مرعوب کند. کشورهای ضعیف‌تر می‌توانند با حملات انبوه و پی‌درپی، با کشورهای قدرتمندتر مقابله کنند.

در حال حاضر، حمله ارزان‌تر از دفاع است؛ هزینه موشک‌های رهگیر مؤثر هنوز به سطح قیمت پهپادها و موشک‌های تهاجمی نرسیده است؛ به همین دلیل، مقابله دفاعی با «انبوه دقیق» بسیار پرهزینه است. به هر حال، ارتش‌ها نمی‌توانند تا بد لحظه‌های تهاجمی شاهد-۱۲۶ را که هر فروند حدود ۵ هزار دلار قیمت دارد، با موشک‌های پاتریوت ۴ میلیون دلاری رهگیری کنند.

البته جنگ در ایران همچنین نشان می‌دهد که فناوری پیشرفته همچنان ضروری است. برای مثال، ایالات‌متحده در هدف قرار دادن مراکز مهم ایران موفقیت زیادی به دست آورد، زیرا از سامانه‌های هوش مصنوعی برخوردار است که می‌توانند اهداف را سریع‌تر از هر زمان دیگری شناسایی و برای حمله پیشنهاد کنند. تسلیحات بسیار پیشرفته و گران‌قیمت آمریکا همچنان بسیار دشوارتر از تسلیحات ارزان‌تر قابل رهگیری هستند و احتمال بیشتری دارد که بتوانند اهداف را با یک حمله منهدم کنند. اما جهان از ایران درس می‌گیرد و این روند بر آنچه اوکراین پیش‌تر آشکار کرده بود، استوار است: آینده جنگ تا حدی به «انبوه دقیق» تعلق دارد. از این پس، همه کشورها به ضرورت تولید و استفاده از انبوه سامانه‌های تسلیحاتی ارزان‌قیمت و یکپارهمصرف روی خواهند آورد؛ روندی که شیوه جنگیدن و توازن نظامی را تغییر خواهد داد.

قدرت‌های آمریکا در روش‌های قدیمی
در جنگ، ممکن است به نظر برسد که کشورهای ثروتمند همیشه از قابلیت‌های نظامی جدید سود می‌برند. اما واقعیت پیچیده‌تر است، اگر یک سامانه

اشاره «مایکل سی. هوروویتز» پژوهشگر ارشد نوآوری و فناوری در «شورای روابط خارجی آمریکا» و استاد دانشگاه پنسیلوانیا و معاون دستیار وزیر جنگ آمریکا در امور توسعه نیرو و قابلیت‌های نوظهور در دوره ریاست‌جمهوری بایدن در مقاله‌ای که فارن افرز آن را منتشر کرده است، توضیح می‌دهد که عملکرد ورخشان و دور از انتظار ایران به گفته وی در جنگ کنونی چگونه قواعد حاکم بر جنگ را تغییر داد. به گفته وی چند عامل در عملکرد غیرمنتظره موفق ایران نقش داشتند از جمله اینکه ایران از مدت‌ها قبل خود را برای حملات آمریکا و اسرائیل آماده کرده بود اما مهم‌ترین عامل به گفته وی زرادخانه بزرگ پهپادها و موشک‌های ارزان‌قیمت و در عین حال دقیق جمهوری اسلامی بود. این تسلیحات، ضدحملات ایران را مؤثر کردند و به تهران امکان دادند تنگه هرمز را ببندد. به گفته وی ایران با حملات گسترده، دقیق و مؤثر خود به پایگاه‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس نشان داد که دوران جدیدی در جنگ‌ها آغاز شده است، دوره‌ای که نویسنده آن را عصر «انبوه دقیق» نام‌گذاری کرده است، یعنی دوره‌ای که

ایران چگونه قواعد جنگ را تغییر داد؟ «فارن افرز» پاسخ می‌دهد

جدید گران‌قیمت باشد، واقعاً به نفع قدرت‌های ثروتمند و مستقر تمام می‌شود. اما اگر سامانه‌ای ارزان باشد و برای به‌کارگیری آن تغییرات گسترده سازمانی لازم باشد، کشورهای دیگر نیز می‌توانند به همان سرعت، و حتی سریع‌تر، از آن بهره بگیرند. در واقع، قدرتمندترین ارتش‌های جهان اغلب در برابر تغییرات سازمانی بنیادین موردنیاز با مشکل مواجه می‌شوند؛ زیرا موفقیت‌های گذشته، بوروکراسی‌ها و سوگیری‌های سازمانی ایجاد کرده که سازگاری با شرایط جدید را دشوارتر می‌کند. در نتیجه، این ارتش‌ها در ادغام قابلیت‌های جدیدی که نمی‌توان آنها را به‌سادگی در ساختارهای موجود جای داد، با مشکل روبرو هستند.

«انبوه دقیق» دقیقاً از همین نوع قابلیت‌هاست. قدرتمندترین ارتش‌های متعارف جهان بر تعداد محدودی موردنیاز با مشکل مواجه می‌شوند؛ زیرا موفقیت‌های گذشته، بوروکراسی‌ها و سوگیری‌های سازمانی ایجاد کرده که سازگاری با شرایط جدید را دشوارتر می‌کند. در نتیجه، این ارتش‌ها در ادغام قابلیت‌های جدیدی که نمی‌توان آنها را به‌سادگی نی‌توانند خود را با قابلیت‌های «انبوه دقیق» وفق دهند؛ قابلیتی که به شیوه‌های متفاوتی از آموزش و تصوراتی کاملاً جدید درباره نحوه جنگیدن نیاز دارد.

برای مثال، تسلیحات بسیار پیشرفته و گران‌قیمت کمپاب هستند، بنابراین یگان‌ها باید مراقب باشند این سامانه‌ها را هدر ندهند و خطر نابودی آنها را به حداقل برسانند. اما در «انبوه دقیق»، برخس، یگان‌ها باید با سرعت عمل کنند و اجازه ندهند تلاش برای رسیدن به گزینه کامل بی‌نقص، مانع از انتخاب گزینه‌ای خوب و عملی شود. این موضوع تا حدی توضیح می‌دهد که چرا ایالات‌متحده- با وجود اینکه خود فناوری هدایت دقیق را ابداع کرده و قدرتمندترین ارتش جهان را در اختیار دارد- در سازگاری با مفهوم «انبوه دقیق» با مشکل مواجه شده است.

در همین حال، ایران عملاً از دسترسی به برخی قابلیت‌های نظامی پیشرفته محروم بوده است. در نتیجه، مجبور شد سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی سامانه‌های تهاجمی دوربرد و یک‌طرفه و موشک‌های بالستیک ارزان‌قیمت انجام دهد. نتیجه، جنگی بوده که در آن ایران بسیار فراتر از انتظارات ظاهر شده است. تهران نمی‌توانست در زمینه استفاده از تسلیحات بسیار پیشرفته، پاپه‌ای

ایران عملاً از دسترسی به برخی قابلیت‌های نظامی پیشرفته‌تر محروم بوده است. در نتیجه، مجبور شد سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی سامانه‌های تهاجمی دوربرد و یک‌طرفه و موشک‌های بالستیک ارزان‌قیمت انجام دهد. نتیجه، جنگی بوده که در آن ایران بسیار فراتر از انتظارات ظاهر شده است.

ایران در سال‌های پیش از جنگ، شبکه عظیمی از زیرساخت‌های زیرزمینی موشکی را در سراسر کشور ایجاد کرده بود؛ شبکه‌ای که نیروهای آمریکا‌یی و اسرائیلی تاکنون نتوانسته‌اند آن را بین ببرند.

بیش از شش ماه پس از شروع جنگ، حکومت ایران نه‌تنها همچنان پابرجاست، بلکه شاید حتی قدرتمندتر از گذشته شده باشد.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ایران در جنگ، زرادخانه بزرگ پهپادها و موشک‌های ارزان‌قیمت و در عین حال دقیق جمهوری اسلامی بود.

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

مشخصه بارز آن تسلیحات هدایت‌شونده دقیق با حجم بالا و هزینه پایین است. جدای از اعتراف به پیروزی راهبرد ایران در جنگ نکته تأسّس‌بار این که نویسنده مقاله که خود از مقامات وزارت جنگ آمریکا در دوره بایدن دموکرات بوده است مهر تأییدی بر استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی در هدف قراردادن مراکز نظامی و غیرنظامی زده و کشتار و حشیانه زنان و کودکان را به عنوان خطا و خسارت‌های جانبی قابل چشم‌پوشی تلقی می‌کند. تذکر نکته دیگری نیز در این میان ضروری به‌نظر می‌رسد و آن، این‌که بخش پایانی مقاله به ضرورت تغییر راهبرد آمریکا در وزارت جنگ این کشور و نیاز به مقابله با عصر «انبوه دقیق» اختصاص دارد. ترجمه کامل این بخش نه از بابت تأیید مطالب ذکر‌شده در آن، بلکه از این بابت است که نیروهای مسلح کشورمان در وزارت دفاع، ارتش و سپاه نیز با تغییر راهبرد آمریکا در جنگ که ضرورت آن به گفته نویسنده مقاله کاملاً در آمریکا و جهان احساس می‌شود باید راهبردهای جدیدی برای غافلگیری دشمن در نبردهای آینده اتخاذ کنند.

سرویس خارجی کیهان

ایران چگونه قواعد جنگ را تغییر داد؟ «فارن افرز» پاسخ می‌دهد

تعداد زیادی سلاح تهاجمی دقیق تهیه کند که قیمت هر کدام تنها چند ده هزار دلار است. اما دفاع همچنان بسیار پرهزینه‌تر است. تعداد سامانه‌های رهگیری قابل‌اعتمادی که کمتر از یک میلیون دلار قیمت داشته باشند، بسیار اندک است. برای مقابله با «نبوه دقیق»، ایران، واشنگتن مجبور شد حدود ۶۵درصد از موشک‌های رهگیر پاتریوت و ۲۵ درصد از رهگیرهای تاد خود را مصرف کند؛ به‌طوری‌که در نهایت حدود هزار فروند از نوع اول و ۲۵۰ فروند از نوع دوم برایش باقی ماند. شرکای آمریکا در خاورمیانه نیز در حال تمام‌کردن ذخایر سامانه‌های دفاع هوایی خود هستند.

برای ایالات‌متحده، این چالش اجتناب‌ناپذیر بود. تمرکز انحصاری بر سامانه‌های بسیار پیشرفته و گران‌قیمت پس از پایان جنگ سرد، به حوزه دفاع نیز تسری پیدا کرد و بر سامانه‌های ضد موشکی متمرکز شد که برای مقابله با حملات موشک‌های بالستیک و کروز به‌شتره طراحی شده بودند. در همین حال، سیاست‌گذاران تصور می‌کردند جنگ‌ها کوتاه خواهند بود؛ بنابراین توجه چندانی به طراحی سامانه‌های دفاعی که بتوان به‌سادگی ظرفیت آنها را افزایش داد، نکردند.

اکنون واشنگتن و دیگر دولتها در تلاش هستند سامانه‌های دفاعی ارزان‌تری طراحی کنند و فناوری‌هایی مانند سلاح‌های انرژی هدایت‌شده و سامانه‌های مایکروویو پرفردر را آزمایش می‌کنند که می‌توانند پهپادهای مهاجم را منهدم کنند. آنها همچنین در حال بررسی سامانه‌های رهگیری هستند که تنها کافی است به پهپادها نزدیک شوند و در مجاورت آنها منفرج شوند، نه اینکه مستقیماً با آنها برخورد کنند. بازار بین‌المللی نیز حرکت خود را آغاز کرده است: اوکراین پهپادهای رهگیر را به کار گرفته که هر فروند تنها حدود ۱۴۰۰ دلار هزینه دارد و شرکت‌های نوای اروپایی و مستقر در کشورهای خلیج‌فارس نیز درحال ساخت سامانه‌های رهگیری ارزان‌تر هستند. اما به نظر می‌رسد هیچ‌ک از این سامانه‌ها در حال حاضر آماده تولید و به‌کارگیری در مقیاس گسترده نیستند.

جنگ ایران همچنین قابلیت‌هایی را برجسته کرده که احتمالاً در عصر جدید جنگ‌ها بسیار مفید خواهند بود. طی چند سال گذشته، هوش مصنوعی که اطلاعات را از منابع متعدد گردآوری می‌کند و پیشنهادهایی برای انتخاب اهداف در اختیار فرماندهان قرار می‌دهد، به بخش مهمی از درگیری‌های نظامی تبدیل شده است. جنگ ایران نشان می‌دهد که تقریباً هر ارتشی می‌تواند



ایران با حملات گسترده، دقیق و مؤثر خود به پایگاه‌های آمریکا در منطقه خلیج فارس نشان داد که دوران جدیدی در جنگ‌ها آغاز شده است، دوره‌ای که می‌توان آن را عصر «انبوه دقیق» نام‌گذاری کرد؛ یعنی دوره‌ای که مشخصه بارز آن تسلیحات هدایت‌شونده دقیق با حجم بالا و هزینه پایین است.

۶ کشور اروپایی، از جمله فرانسه، آلمان و بریتانیا، نیز نامه‌ای برای ایران قصد خود جهت توسعه مشترک یک پهپاد تهاجمی انتحاری با برد بیش از ۳۰۰ مایل و هزینه هدف کمتر از ۱۰۰ هزار دلار امضا کرده‌اند. عربستان سعودی نیز از پهپاد تهاجمی ساخت خود رونمایی کرده که براساس طراحی شاهد ساخته شده و گفته می‌شود بیش از ۹۰۰ مایل برد دارد. حزب حرم راین نیز خواستار تصویب بودجه دفاعی بی‌سابقه ۵۵۶ میلیارد دلاری شده است، بخش بزرگی از این بودجه قرار است صرف خرید مقادیر زیادی پهپاد تهاجمی شود.

تهاجم کم‌هزینه‌تر از دفاع

جنگ ایران نشان می‌دهد که تقریباً هر ارتشی می‌تواند

بیش از شش ماه پس از شروع جنگ، حکومت ایران نه‌تنها همچنان پابرجاست، بلکه شاید حتی قدرتمندتر از گذشته شده باشد.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت ایران در جنگ، زرادخانه بزرگ پهپادها و موشک‌های ارزان‌قیمت و در عین حال دقیق جمهوری اسلامی بود.



صفحه ۱۲

پنجشنبه ۹ مهر ۱۴۰۵
۱۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۴۹

این قابلیت به ایالات‌متحده- با برخورداری از شرکت‌های متعدد فعال در حوزه هوش مصنوعی و تجربه ساخت باصطلاح «سامانه‌های پشتیبان تصمیم‌گیری»- یک مزیت داده است.

برای مثال، واشنگتن سامانه هوشمند میون را به کار گرفت که به ارتش آمریکا امکان داد سرعت حملات نظامی خود را به‌شدت افزایش دهد. این سامانه بی‌نقص نبوده است؛ برای نمونه، ممکن است به‌دلیل داده‌های اطلاعاتی نادرستی که سامانه امکان بررسی آنها را نداشته، یک مدرسه ایرانی را به اشتباه به‌عنوان هدف شناسایی کرده باشد؛ مسئله‌ای که در حملات که بیش از ۱۰۰ کودک را کشت، نقش داشته است. سرعت فوق‌العاده بالای انتخاب اهداف همچنین خطر «سوگیری خودکارساز» را افزایش می‌دهد؛ پدیده‌ای که در آن انسان‌ها بخشی از فرایند شناخت و تصمیم‌گیری را به الگوریتم‌های ناقص واگذار می‌کنند و این امر می‌تواند به خطا منجر شود.

با این حال، ظاهراً این سامانه دقت نسبی فرایند انتخاب اهداف را افزایش داده است و ارتش آمریکا می‌تواند اطلاعاتی را اجرا کند که احتمال خطا در انتخاب اهداف را حتی کمتر کند. این بدان معناست که محدودیت اصلی سرعت عملیات نظامی آمریکا دیگر پرودارش اطلاعات نیست، بلکه موجودی تسلیحات و ذخایر نظامی است. با این حال، نکته مهم این است که دستورالدهای واشنگتن در حوزه هوش مصنوعی، بیش از آنکه حاصل استفاده از جدیدترین و پیشرفته‌ترین مدل‌ها باشد، نتیجه معماری بهتر داده‌ها و ادغام سبازمانی مدل‌هایی بود که عمدتاً از سال ۲۰۲۵ با پیش از آن معرفی شده بودند. این بدان معناست که رقابت کنونی برای دستیابی به «هوش مصنوعی عمومی» عامل اصلی شکل‌دهنده هوش مصنوعی در جنگ نیست.

در واقع، با توجه به اینکه مدل‌های متن‌باز ارزان‌قیمت ناگزیر به قابلیت‌هایی مشابه مدل‌هایی که واشنگتن امروز از آنها استفاده می‌کند، دست خواهند افتاد، ارتش‌های دیگر نیز می‌توانند با سهولت بیشتری از هوش مصنوعی برای ساخت ابزارهای مشابه پشتیبان تصمیم‌گیری استفاده کنند. این مسئله ممکن است شامل ایران نیز بشود؛ چراکه براساس گزارش شرکت هوش مصنوعی کوارتیک، ایران تلاش کرده است از مدل زبانی بزرگ «کلود» برای هدف‌گیری نیروهای آمریکایی در منطقه استفاده کند.

شکست‌های ارزان

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران نشان می‌دهد که عصر «انبوه دقیق» فرارسیده است. تهران نشان داده است که کشورهای ضعیف‌تر چگونه می‌توانند در میدان نبرد مدرن، قدرتهای قدرتمندتر را زمین‌گیر کنند. کشورهای قدرتمندتر نیز راهبردهای تهاجمی مبتنی بر «انبوه دقیق» را در پیش خواهند گرفت، زیرا هزینه دفاع در برابر مهمات ارزان‌قیمت همچنان بسیار بیشتر از هزینه استفاده تهاجمی از آنهاست.

اکنون که جهان در حال آموختن این درس است، آمریکان نیز باید آن را بیاموزد. اتکای این کشور به تسلیحات بسیار پیشرفته، گران‌قیمت و دشوار برای تولید، دیگر برای پیروزی در جنگ‌ها و حفاظت از متحدان کافی نیست؛ به‌ویژه در شرایطی که ایالات متحده در حال کاهش ذخایر موشکی موردنیاز برای بازدارندگی چین و دیگر کشورهاست.

در حالت ایده‌آل، واشنگتن باید توسعه «نبوه دقیق» را آغاز کند، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی سامانه‌های دفاعی کم‌هزینه انجام دهد و از همه مهم‌تر- ساختارهای سازمانی خود را برای استفاده مؤثر از این ابزارها تغییر دهد. مقام‌های دفاعی آمریکا که به‌جنگ‌ها صرفاً با سامانه‌های بسیار پیشرفته و گران‌قیمت عادت کرده‌اند، ممکن است در پذیرش این تغییر ضروری با مشکل مواجه شوند؛ به‌ویژه اگر بودجه دفاعی کاهش یابد. چنین شرایطی می‌تواند به‌راحتی واشنگتن را به سمت اولویت دادن به قابلیت‌های قدیمی و آرموده‌شده خود دهد، صرف‌نظر از محدودیت‌های آنها.

حتی اگر پنتاگون اصلاحات را آغاز کند، آمریکا به فرماندهان نظامی توانمند و مقام‌های ارشد غیرنظامی در حوزه دفاع نیاز خواهد داشت که آن‌قدر در سمت خود باقی بمانند تا بتوانند این نوآوری‌ها را به‌طور کامل پیش ببرند. درحال حاضر، پنتاگون هر دو گروه از این مقام‌ها را به سرعت انزلی تغییر می‌دهد.آمریکایی‌ها باید آمبدورل باشند، که واشنگتن راهی به جلو پیدا کند؛ نوآوری‌های جدید، دست‌کم در حال حاضر، شکاف نظامی میان کشورهای ثروتمند و فقیر را در زمینه توانمندی‌های تهاجمی کاهش داده‌اند. اگر ایالات‌متحده می‌خواهد برتری نظامی خود را حفظ کند، چاره‌ای جز پذیرفتن «نبوه دقیق» ندارد و باید از رفتار کردن به‌گونه‌ای که گوئی جنگ سرد تازه به پایان رسیده است، دست بردارد.

خروج آمریکا از شورای حقوق بشر؛ نقض تعهدات بین‌المللی و گزینشگری در برابر حقوق بین‌الملل

اجازه می‌دهد که هر زمان تحت فشار قرار می‌گیرد، از نهادهای کنوانسیون‌ها خارج شود؟ پاسخ حقوقی این پرسش روشن است: آمریکا هیچ حق قانونی برای فرار از تعهدات بین‌المللی خود ندارد. آنچه به آمریکا این جسارت را می‌دهد، نه مشروعیت حقوقی، بلکه قدرت سیاسی و نظامی است. اما در حقوق بین‌الملل، اصل «برابری حاکمیت‌ها» که در بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده، یک اصل بنیادین است. هیچ دولتی، هرچند قدرتمند، نمی‌تواند خود را بالاتر از حقوق بین‌الملل قرار دهد. آمریکا تصور می‌کند می‌تواند با خروج از قطعنامه، خود را از نظارت بین‌المللی خارج کند. اما این تصور، هم از نظر حقوقی باطل است و هم از نظر سیاسی کوبنده‌انظر.نم. حقوق بین‌الملل، مجموعه‌ای گزینشی نیست که هر دولتی بتواند بخش‌های دلخواه خود را بپذیرد و بخش‌های ناخوشایند را رد کند.

نتیجه‌گیری
خروج آمریکا از شورای حقوق بشر و امتناع از پاسخشگویی در برابر مکانیسم‌های بین‌المللی، نقض آشکار مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد و اصل «تعهد به اجرای معاهدات» است. این رفتار، بخشی از یک الگوی سیستماتیک است که از خروج از صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه تا عدم تصویب کنوانسیون‌های بنیادین حقوق بشری ادامه دارد. جامعه بین‌المللی، به‌ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر و نهادهای حقوقی مستقل، باید این رفتار را قاطعانه محکوم کنند. آمریکا باید بداند که خروج از نهادهای، نه تنها مسئولیت‌های بین‌المللی او را بین نمی‌برد، بلکه به اعتبار و مشروعیت خود او نیز آسیب می‌زند. حقوق بین‌الملل، میراث مشترک بشریت است و هیچ دولتی، هرچند قدرتمند، حق ندارد آن را به بازچه منافع کواتماتمد خود تبدیل کند.

آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد و آمریکا را به حمایت از شورش‌پیان و مین‌گذاری در آب‌های سرزمینی نیکاراگوئه متهم ساخت. آمریکا در واکنش، در سال ۱۹۸۵ صلاحیت اجباری دیوان را پس گرفت و از پذیرش صلاحیت آن خارج شد. دیوان در سال ۱۹۸۶ رأی خود را صادر کرد و آمریکا را به نقض حقوق بین‌الملل محکوم نمود. اما آمریکا از اجرای رأی خودداری کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز با قطعنامه ۳۱/۴۱، آمریکا را به‌اجرای رأی دیوان فراخواند. این پرونده، الگوی آمریکا تصور می‌کند می‌تواند با خروج از قطعنامه، خود را از نظارت بین‌المللی خارج کند. اما این وقتی علیه آمریکا حکم می‌دهد، از آن خارج می‌شود. این همان «استثناگرایی» است که هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارد.

۷. مسئولیت بین‌المللی دولت و عدم امکان فرار از پاسخگویی
بر اساس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد درباره مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱)، هر عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت مرتکب‌را به دنبال دارد. ماده ۱ این مواد تصریح می‌کند: «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را در پی دارد.» ماده ۳۱ نیز دولت مسئول را به جبران کامل خسارت موظف می‌کند.

نکته حقوقی مهم این است که خروج از یک نهاد بین‌المللی، مسئولیت دولت را در قبال اعمال متخلفانه قبلی از بین نمی‌برد. اگر آمریکا در دوران عضویت خود در شورای حقوق بشر یا در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی، مرتکب نقض تعهدات شده باشد، خروج از آن نهاد یا کنوانسیون، رافع مسئولیت نیست. دولت آمریکا در همان‌جا بر جامعه بین‌المللی مسئول است و باید پاسخگو باشد.

۸. چرا آمریکا به خود اجازه می‌دهد؟

پرسش اصلی این است: چرا آمریکا به خود



بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) ‘کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD) ‘اساسنامه رم برای دادگاه کیفری بین‌المللی ‘کنوانسیون حقوق بشر برای دادگاه‌دهنده منطق گزینشی آمریکا است: حقوق بشر برای بازخواست دیگران، نه برای پاسخگویی خود. ‘کنوانسیون‌هایی که ابتدائی‌ترین حقوق زنان و کودکان را تضمین می‌کند، سر باز زند؟ این تناقضی، نشان می‌دهد که ادعای رهبری حقوق بشری آمریکا، بیش از آنکه ماهیت حقوقی داشته باشد، یک ابزار سیاسی است.

۶. سابقه تاریخی: نیکاراگوئه علیه آمریکا و خروج از صلاحیت دیوان
رفتار آمریکا در قبال نهادهای بین‌المللی، سابقه‌ای طولانی دارد. در سال ۱۹۸۲، دولت نیکاراگوئه علیه

‘کنوانسیون حقوق کودک (CRO) ‘میثاق

مقدمه

خروج دولت آمریکا از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، صرفاً یک تصمیم سیاسی یا تبلیغاتی نیست؛ یک اقدام با پیامدهای حقوقی روشن است. پرسش بنیادین این است: آیا یک دولت می‌تواند هر زمان که مورد بررسی و بازخواست بین‌المللی قرار می‌گیرد، از نهادهای حقوق بشری خارج شود و خود را از دایره تعهدات بین‌المللی بیرون بکشد؟ پاسخ حقوق بین‌الملل به این پرسش، قاطع و صریح است: خروج از یک نهاد، پایان تعهدات بین‌المللی نیست. دولت‌ها نمی‌توانند با تغییر عضویت خود، از مسئولیت‌های ناشی از حقوق بین‌الملل عام یا منشور ملل متحد بگریزند.

۱. ماهیت حقوقی شورای حقوق بشر و تعهدات عضویت

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بر اساس قطعنامه ۲۵۱۶/۰ مجمع عمومی، مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶، تأسیس شد. این قطعنامه، شورا را نهاد فرعی مجمع عمومی معرفی می‌کند که مسئولیت اصلی آن، ارتقای احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است. عضویت در شورا بر اساس انتخابات مجمع عمومی و با تعهد صریح دولت‌ها به رعایت بالاترین معیارهای حقوق بشر انجام می‌شود. بنابراین، خروج از شورا هرچند در چارچوب مقررات رویه‌ای ممکن است، اما نمی‌تواند به معنای رد تعهدات بنیادین منشور ملل متحد باشد. آمریکا به عنوان عضو مؤسس سازمان ملل و عضو دائم شورای امنیت، بیش از دولت دیگری به رعایت این تعهدات پایبند است.

۲. خروج مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد
ماده ۵۵ منشور ملل متحد تصریح می‌کند که سازمان ملل متحد باید «حسّتر جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان یا مذهب» را ترویج کند. ماده ۵۶ نیز مقرر می‌دارد: «حکلیت‌ها سازمان متعهد می‌شوند که به منظور تحقق هدف‌های مذکور